

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال چهاردهم، شماره اول

بهار ۱۳۹۲، شماره مسلسل ۵۳

## بررسی تأثیر روایات کتاب «تاریخ بغداد» درباره امام کاظم **7**

### در منابع پسینی

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۲/۲/۳۱

خدیدجه کیهانی\*

«تاریخ بغداد» نوشته خطیب بغدادی (م. ۴۶۳)، یکی از منابع مهم اهل سنت در شرح حال نگاری است که زندگانی امام کاظم **7** را نیز در بر دارد. آنچه این کتاب در باب زندگانی امام کاظم **7** درج کرده، در منابع پسینی بسامد بسیاری یافته و منابع بسیاری از شیعه و سنی با اتکالی «تاریخ بغداد» گزارش‌هایی را از زندگانی امام کاظم **7** نقل کرده‌اند. این نوشتار، با بررسی نه روایت اختصاصی «تاریخ بغداد» در زمینه زندگانی امام کاظم **7**، ضمن بررسی منابع خطیب بغدادی در ارائه گزارش‌های مربوط به زندگانی امام، به نحو راه‌یابی و ادامه حیات این روایات در منابع نگارش یافته پس از «تاریخ بغداد» می‌پردازد و سیر تطور این اخبار و نحوه راه‌یابی آن به منابع شیعه و سنی، و میزان گسترش آن تا قرن یازدهم را پی می‌گیرد. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که اکثر منابعی که احادیث مختص به زندگانی امام کاظم **7** را از «تاریخ بغداد»

\* دانش آموخته جامعه الزهرا **3**.

اقتباس نموده‌اند، با توجه به گرایش‌های مذهبی خود به تغییراتی در آن دست زده‌اند و گاه یک روایت را به صورت کامل کنار گذاشته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** امام کاظم **7**، کتاب «تاریخ بغداد»، خطیب بغدادی، شرح حال نگاری، تطور حدیث.

#### مقدمه

تاریخ بغداد که از قدیم‌ترین منابع تاریخی اهل سنت است، از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تألیفات خطیب بغدادی به شمار می‌رود؛ زیرا شرح حال ۷۸۳۱ تن از محدثان و علما و رجال علوم مختلف و دیگر بزرگان جامعه را در بردارد. خطیب تصمیم گرفت شرح حال عالمانی را که از زمان بنای شهر بغداد تا زمان حیات خودش در آن‌جا زندگی می‌کردند یا به این شهر سفر کرده و در همان‌جا از دنیا رفته بودند، در این کتاب بیاورد. نویسنده ابتدا شهر بغداد و احکامی درباره خرید و فروش آن را معرفی کرده سپس در باب جداگانه‌ای، به شرح حال زندگانی صحابه، سپس تابعین و بعد کسانی پرداخته که در بغداد به دنیا آمده و در همان‌جا از دنیا رفته‌اند. همچنین به کسانی اشاره کرده که از این شهر به شهر دیگر مهاجرت نموده و از دنیا رفته‌اند، وی از باب تبرک به نام رسول اکرم **6**، ابتدا به بیان زندگانی کسانی پرداخته که نامشان محمد بوده، سپس بر اساس حروف الفبا، شرح حال دیگر افراد را بیان کرده است. خطیب بغدادی که خود در اصول، اشعری مذهب و در احکام پیرو مذهب شافعی بوده، نام پنج تن از ائمه اطهار مانند امام صادق **7**، امام کاظم **7**، امام جواد **7**، امام هادی **7**، امام حسن عسکری **7** را در این کتاب آورده است. نویسنده از امام صادق **7** فقط یک حدیث نقل کرده و درباره امام جواد **7**، امام هادی **7** و امام حسن عسکری **7** جز این‌که اشاره‌ای کوتاه به سال تولد و محل شهادت و مدفن آنان داشته، مطلب دیگری درباره زندگانی و یا ویژگی‌های اخلاقی آنان

بیان نکرده است. اما درباره زندگانی امام کاظم **7** درصدد بیان ویژگی‌های اخلاقی و حوادث دوران حیات سیاسی- اجتماعی آن حضرت، در قالب نه حدیث، برآمده است. در این نوشتار، درصدد آنیم که ضمن نقل اصل این نه حدیث و ترجمه آن‌ها، به بررسی انعکاس و تأثیر و تأثر این احادیث در منابع تاریخی پسین از تاریخ بغداد (قرن پنجم تا یازدهم) بپردازیم.

**حدیث اول:** اخبرنا الحسن بن أبی بکرأخبرنا الحسن بن محمد بن یحیی العلوی حدثنی جدی قال: کان موسی بن جعفر یدعی العبدالصالح من عبادته و اجتهاده، روی اصحابنا أنه دخل مسجد رسول الله فسجد سجدة فی اول اللیل و سمع و هو یقول فی سجوده عظم الذنب عندی فلیحسن العفو عندک یا اهل التقوی و یا اهل المغفرة فجعل یردها حتی اصبح و کان سخیا کریمًا. کان یبلغه عن الرجل أن یؤذیه فبعث الیه بصره فیها الف دینار و کان یصرالصرر ثلاثمائة دینار و اربعمائه دینار و مأتی دینار ثم یقسمها بالمدينة و کان مثل صرر موسی بن جعفر اذا جاءت الانسان الصرة فقد استغنی.

موضوعات اصلی مطرح شده در این حدیث عبارتند از:

۱. عبادت موسی بن جعفر **7**؛

۲. گذشت ایشان در برابر دشمنانش؛

۳. انفاق به نیازمندان مدینه.

منابعی که این حدیث را به صراحت از تاریخ بغداد نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. دلائل الامامه، طبری (م. قرن ۵):

و کان یدعی العبدالصالح من عبادته ... و قیل انه دخل مسجد... و استغنی.<sup>۱</sup>

۲. صفه الصفوه، ابن جوزی (م. ۵۹۷):

کان موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین الهاشمی کان یدعی العبدالصالح...<sup>۲</sup>

۳. و فیات الاعیان، ابن خلکان (م. ۶۰۸):

- قال الخطیب فی تاریخ بغداد کان موسی بن جعفر یدعی العبدالصالح...و روی انه دخل مسجد رسول الله و اذا بلغه...یقسمها.<sup>۳</sup>
۴. تهذیب الکمال، المزی (م. ۷۴۲):
- قال (الخطیب): اخبرنا الحسن بن ابی بکر قال اخبرنا الحسن بن محمد بن یحیی العلوی قال حدثنی جدی قال کان موسی بن جعفر یدعی العبدالصالح...<sup>۴</sup>
۵. سیر اعلام النبلاء، ذهبی (م. ۷۴۸):
- ثم قال الخطیب: انبأنا الحسن بن ابی بکر ابأنا الحسن بن محمد بن یحیی العلوی حدثنی جدی یحیی بن الحسن بن عبدالله بن الحسين بنعلی 7 کان موسی بن جعفر یدعی ..... روی اصحابنا انه دخل...ثم یقسمها بالمدينة فمن جائته صرة فقد استغنى.<sup>۵</sup>
۶. تاریخ اسلام، ذهبی (م. ۷۴۸):
- و قال النسابة یحیی بن جعفر العلوی المدني و کان موجودا بعد الثلاثمائه کان موسی بن جعفر یدعی العبدالصالح...استغنى.<sup>۶</sup>
۷. الاثمه الاثنی عشر، ابن طولون (م. ۹۵۳):
- قال الخطیب فی تاریخ بغداد: کان موسی الکاظم یدعی العبدالصالح من عبادته و اجتهداه. و روی انه دخل .فسجد سجدة... حتی اصبحو کان سخیا کریماً و کان یبلغه عن الرجل یؤذیه فبعث الیه بالصرة فیها الف دینار...ثم یقسمها بالمدينة.<sup>۷</sup>
۸. احقاق الحق، قاضی نورالله شوشتری (م. ۱۰۱۹):
- الخطیب البغدادی فی تاریخ بغداد قال: اخبرنا الحسن بن ابی بکر ....حدثنی جدی کان موسی بن جعفر یدعی... و روی اصحابنا انه دخل مسجد رسول الله 6 فسجد ... حتی اصبح .کان سخیا کریماً و کان یبلغه عن الرجل...و کان مثل صرر موسی بن جعفر اذا جاءت الانسان الصره استغنى.
- منابعی که با واسطه از تاریخ بغداد نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. کشف الغمه، اربلی (م. ۶۹۲):

قال ابن جوزی موسی بن جعفر... کان یدعی العبدالصالح...<sup>۸</sup>

نتیجه بررسی: سه نفر از نویسندگانی که این حدیث را بدون واسطه از تاریخ بغداد گرفته‌اند اهل سنت و چهار نفر شیعه هستند و این منابع را به چند روش نقل کرده‌اند:

- ذهبی نویسنده سیر اعلام النبلاء، سند حدیث را کامل آورده، اما بخش مربوط به عبادت امام کاظم **۷** را حذف کرده شاید به این بعد اخلاقی حضرت بی توجه بوده است.

- ابن طولون نویسنده الأئمة اثنی عشر، سند حدیث را اصلاً نقل نکرده ولی متن حدیث را به طور کامل بیان کرده است. شاید گرایش مذهبی وی و عنایت به بعد عبادی آن حضرت، باعث انتخاب این روش شده است.

- ابن خلکان نویسنده وفيات الاعیان، چون روش او در بیان احادیث، نقل نکردن اسناد حدیث است، سند حدیث را بیان نکرده است.

- ابن جوزی نویسنده صفة الصفوة، گرچه در این کتاب تصریح نکرده که منبع این حدیث کتاب تاریخ بغداد بوده اما در اثر دیگرش المنتظم، تصریح دارد که حدیث توسط به موسی بن جعفر **۷** را از تاریخ بغداد نقل نموده است.

طبری شیعه مذهب نویسنده کتاب دلائل الامامة، علی‌رغم این که با خطیب بغدادی معاصر بوده و حدوداً سه سال قبل از وی از دنیا رفته در نقل یکی از روایات مورد بحث (روایت ششم) در متن کتاب می‌گوید: «روی خطیب فی تاریخه...» پس می‌توان ادعا کرد که او بقیه روایات را هم از تاریخ بغداد گرفته است و مطلبی که از کتاب احقاق الحق نقل شده، از جانب قاضی نورالله است نه از مرعشی نجفی شارح احقاق الحق.

حدیث دوم: اخبرنا الحسن حدثنی جدی حدثنا اسماعیل بن یعقوب حدثنی محمد بن عبدالله البکری قال: قدمت المدینه اطلب بها دینا فأعیانی فقلت لودھبت الی ابی الحسن موسی بن جعفر فشکوت ذلک الیه فأتیته بنقمی فی ضیعتہ فخرج الی و معہ غلام له معہ

منسحف فيه قدید مجزع لیس معه غیره فأكل و اكلت معه ثم سألتی عن حاجتی فذكرت له قصتی فدخل فلم یقم الا یسیرا حتی خرج الی فقال لغلّامه اذهب ثم مدیده فدفع الی صرة فیها ثلاثة مائة دینار ثم قام فولی ففقت فرکبت دابتی و انصرفت.

موضوعات اصلی مطرح شده در این حدیث عبارتند از:

۱. موسی بن جعفر 7 ملجأ و پناهگاه نیازمندان و درماندگان؛
  ۲. برآورده شدن حوایج مردم توسط ایشان.
- منابعی که این حدیث را به صراحت از تاریخ بغداد نقل کرده‌اند عبارتند از:
۱. دلائل الامامة، طبری (م. قرن ۵):
  - قال محمد بن عبدالله البکری قدمت المدینة...<sup>۹</sup>
  ۲. تهذیب الکمال، المزی (م. ۷۴۲):
  - قال اخبرنا الحسن حدثنی جدی قال حدثنی اسماعیل بن یعقوب قال حدثنی عبدالله - البکری قال: قدمت المدینة...<sup>۱۰</sup>
  ۳. سیر اعلام النبلاء، الذهبی (م. ۷۴۸):
  - ثم قال یحیی هذا: حدثنا اسماعیل بن یعقوب حدثنا محمد بن عبدالله البکری قال: قدمت المدینة... فأعطانی ثلاث مائة دینار.<sup>۱۱</sup>
  ۴. احقاق الحق و ازهاق الباطل، قاضی نورالله شوشتری (م. ۱۰۱۹):
  - العلامة الخطیب فی «تاریخ بغداد» قال: اخبرنا... حدثنی محمد بن عبدالله البکری قال: قدمت... انصرفت.<sup>۱۲</sup>
- منابعی که این حدیث را بدون ذکر منبع نقل کرده‌اند عبارتند از:
۱. روضه الواعظین و بصیرة المتعظین، فتال نیشابوری (م. ۵۰۸):
  - قال محمد بن عبدالله البکری قدمت المدینة...<sup>۱۳</sup>
  ۲. الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، جمال الدین یوسف بن حاتم شامی (م. ۶۷۶):

و قال محمد بن عبدالله البکری قدمت المدینه ...<sup>۱۴</sup>

منابعی که این حدیث را از غیر تاریخ بغداد نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. حلیة الابرار فی احوال محمد وآله اطهار **7**، سیدهاشم بحرانی (م.۱۱۰۷): به نقل

از کتاب ارشاد مفید:

قال محمد بن عبدالله البکری قدمت المدینه ...<sup>۱۵</sup>

۲. بحار الانوار، مجلسی (م.۱۱۱۱) به نقل از کتاب ارشاد مفید قال:

محمد بن عبدالله البکری قدمت المدینه ...<sup>۱۶</sup>

نتیجه بررسی: از بین نویسندگانی که این حدیث را نقل کرده‌اند، تعداد شش نفر شیعه و دو نفر سنی هستند. در بین این منابع فقط سه نفر از نویسندگان سند حدیث را آورده‌اند و بقیه به معرفی آخرین راوی اکتفا کرده و اما متن حدیث را همگی به طور کامل انتقال داده‌اند و می‌توان گفت که گرایش مذهبی در نحوه انعکاس حدیث تأثیری نداشته است.

حدیث سوم: قال جدی یحیی بن الحسن و ذکر غیر واحد من اصحابنا: ان رجلاً من ولد عمر بن خطاب کان بالمدینه یؤذیه و یشتتم علیا قال و کان قد قال له بعض حاشیته دعنا نقتله فنهاهم عن ذلك أشد الزجر و سأل عن العمری فکر له أنه یزرع بناحیه من نواحی المدینه فرکب الیه فی مزرعته فوجده فیها فدخل المزرعه بحماره فصاح به العمری لا تطأ زرعنا فوطئه بالحمار حتی وصل الیه فنزل فجلس عنده و ضاحکه و قال کم غرمت فی زرعک هذا قال له مائة دینار قال فکم ترجو أن یصب قال أنا لا أعلم الغیب قال انما قلت لک کم ترجو أن یجیئک فیہ قال أرجو أن یجیئنی ماتت دینار قال أعطاه ثلاثمائة دینار وقال هذا زرعک علی حاله قال فقام العمری فقبل رأسه و انصرف قال فراح الی المسجد فوجد العمری جالسا فلما نظر الیه قال الله اعلم یجعل رسالته قال فوثب اصحابه فقالوا ما قصتک قد کنت تقول خلاف هذا قال فخاصمهم و شاتمهم قال و جعل یدعو لابی الحسن موسی کلما دخل و خرج قال فقال ابوالحسن موسی لحاشیته الذین ارادوا قتل العمری ایما کان خیر ما أردت أو ما أردتم أن أصلح أمره بهذا المقدار.

موضوعات اصلی مطرح شده در این حدیث عبارتند از:

۱. گذشت امام کاظم **7** در برابر ستم دشمنان اهل بیت **7**؛

۲. تأثیر رفتار نیکوی امام کاظم **7** در تغییر عقیده و بینش مخالفان؛

۳. کرامت امام **7** در برگرداندن زراعت به حال اول خود.

منابعی که این حدیث را به صراحت از خطیب نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. تهذیب الکمال، المزی (م. ۷۴۲):

قال الحسن قال جدی یحیی بن الحسن و ذکر غیر واحد من اصحابنا ان رجلا ...<sup>۱۷</sup>

۲. سیر اعلام النبلاء، ذهبی (م. ۷۴۹):

قال یحیی: ذکر لی غیر واحد: ان رجلا من ...<sup>۱۸</sup>

منبعی که این حدیث را بدون ذکر اصل آن نقل کرده کتاب اعلام الوری از فضل بن

حسن طوسی (م. ۵۴۸) است:

وروی الشریف ابومحمد الحسن بن محمد بن عیسی العلوی عن جده باسناده قال: ان

رجلا من ...!<sup>۱۹</sup>

نتیجه بررسی: در بین نویسندگان منابعی که این حدیث را نقل کرده‌اند، دو نفر سنی و

یک نفر شیعه هستند.

حدیث چهارم: اخبرنا سلامه بن الحسن المقرئ وعمر بن محمد بن عبیدالله المؤدب قالا:

اخبرنا علی بن عمر بن الحلفظ حدثنا القاضی الحسین بن اسماعیل حدثنا عبدالله بن ابی

سعد حدثنی محمد بن الحسین بن محمد بن عبدالحمید الکنانی اللیثی قال: حدثنی عیسی

بن محمد بن مغیث القرظی و بلغ تسعین سنه قال زرع بطیخا و قثاء قرعا فی موضع

بالجوانیه علی بئر یقال لها أم العظام فلما قرب الخیرو استوی الزرع بغتنی الجراد فأتی علی

الزرع کله و کنت غرمت علی الزرع و فی ثمن جملین مائه و عشرين دینارا فبینما أنا جالس

طلع موسی بن جعفر بن محمد فسلم ثم قال أیش حال فقلت أصبحت کالصریم بغتنی

الجراد فأکل زرعی قال و کم غرمت فیه قلت مائه و عشرين دینارا مع ثمن الجملین فقال



یا عرفه زن لأبی مغيث مائة وخمسين دينار فربحك ثلاثين دينار و الجمليين يا مبارك ادخل وادع لي فيها فدخل و دعا و حدثني عن رسول الله **6** انه تمسكوا ببقايا المصائب ثم علقا عليه الجمليين وسقيته فجعل الله فيها البركة زكت فبعت منها بعشر آلاف.

موضوعات اصلی مطرح شده در این حدیث عبارتند از:

۱. احساس مسؤولیت موسی بن جعفر **7** در برابر مشکلات دیگران؛

۲. دلجویی کردن از دیگران؛

۳. حل مشکلات دیگران بدون هیچ گونه چشم داشتی.

منابعی که این حدیث را از تاریخ بغداد نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. تهذیب الکمال، المزی (م. ۷۴۲):

قال حدثنا القاضي الحسين بن اسماعيل قال عبدالله بن ابي سعد ...<sup>۲۰</sup>

۲. سير اعلام النبلاء، ذهبی (م. ۷۴۹):

قال ابو عبدالله المحاملي: حدثنا عبدالله بن ابي سعد حدثني محمد بن الحسين الكناني

الليثي حدثني عيسى بن مغيث القرشي...<sup>۲۱</sup>

نتیجه بررسی: این حدیث را فقط دو منبع از منابع اهل سنت از تاریخ بغداد نقل کرده و هر دو، سند حدیث را کامل نیاورده اما متن حدیث را بدون هیچ گونه تغییری انتقال داده‌اند. حدیث پنجم: قال ادریس بن ابي رافع فهو ذا ولده في الصرافين بمكة حدثني الحسن بن محمد الخلال حدثنا احمد بن محمد بن عمران حدثنا محمد بن يحيى الصولي حدثنا عون بن محمد قال سمعت اسحاق الموصولي غير مرة يقول حدثني الفضل بن الربيع عن ابيه: أنه لما حبس المهدي موسى بن جعفر رأى المهدي في النوم على بن ابي طالب و هو يقول يا محمد «فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا في الارض وتقطعوا ارحامكم». قال الربيع فأرسل لي ليلا فراعني ذلك فجئتته فاذا هو يقرأ هذه الاية و كان احسن الناس صوتا و قال على بموسى بن جعفر فجئتته به فعانقه و أجلسه الى جانبه و قال يا أبا الحسن رايت

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب فی النوم یقرأ علی کذا فتؤمنی أن تخرج علی أو علی أحد من ولدی فقال الله لا فعلت ذاک و لا هو من شأنی قال صدقت یا ربیع اعطه آلاف دینار و رده الی اهله الی المدینه قال الربیع فاحکمت أمره لیلا فلما اصبح الا و هو فی الطریق خوف العوائق.

موضوعات اصلی مطرح شده در این حدیث عبارتند از:

۱. حمایت معنوی امام کاظم **7** از ناحیه خداوند؛
۲. ظلم دستگاه خلافت وقت به اهل بیت **7** با وجود آگاهی داشتن به حقانیت آنان؛
۳. موقعیت شناسی امام کاظم **7** و اتخاذ شیوه مناسب برای مبارزه با دشمنان اسلام و اهل بیت **7**.

منابعی که این حدیث را به صراحت از خطیب نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. المنتظم، ابن جوزی (م. ۵۹۷):
- اخبرنا ابوالمنصور القزاز قال اخبرنا ابو بکر بن ثابت قال حدثنی الحسن بن الخلال ...<sup>۲۲</sup>
۲. تذکرة الخواص، سبط بن جوزی (م. قرن ۵):
- ذکر الخطیب فی تاریخ بغداد عن الفضل بن ربیع عن ابيه...<sup>۲۳</sup>
۳. وفيات الاعیان، ابن خلکان (م. ۶۰۸):
- الصولی، حدثنا عون بن محمد، سمعت اسحاق الموصلی ... حدثنی الفضل بن ربیع عن ابيه ...<sup>۲۴</sup>
۴. تهذیب الکمال، المزی (م. ۷۴۲):
- قال حدثنی الحسن بن محمد الخلال ...<sup>۲۵</sup>
۵. الائمة اثنی عشر، ابن طولون (م. ۹۵۳):
- و کان یسکن المدینه فاقدمه المهدي بغداد و حبسه فرای فی النوم...<sup>۲۶</sup>
۶. اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، شیخ حرعاملی (م. ۱۱۰۴):

مارواه فی تاریخ بغداد (ج ۳ ص ۳۰):

قال حدثني الحسن بن محمد الخلال...<sup>۲۷</sup>

نتیجه بررسی: نویسندگان این منابع از نظر گرایش مذهبی، چهار نفر از اهل سنت و دو نفر شیعه هستند. این منابع در بیان سند حدیث و متن روایت اختلاف دارند. آن‌ها متن را به طور کامل نقل کرده اما بعضی از منابع مانند الأئمة اثنی عشر سند را به صورت گزارشی آورده‌اند.

حدیث ششم: خبرنا القاضی ابوالعلاء محمد بن علی الواسطی حدثنا عمر بن احمد بن احمد الواعظ حدثنا الحسين بن القاسم حدثني احمد بن وهب خبرنا عبدالرحمان بن صالح الأزدي قال حج هارون الرشيد فأتى قبر النبي **6** زائرا له و حوله قريش و أفياء القبائل و معه موسى بن جعفر فلما انتهى الى القبر قال السلام عليك يا رسول الله يا بن عمي افتخارا على من حوله فدنا موسى بن جعفر فقال السلام عليك يا أبة فتغير وجه هارون و قال هذا الفخر يا ابالحسن حقا.

موضوعات اصلی مطرح شده در این حدیث عبارتند از:

شجاعت موسی بن جعفر **7** در بیان حق در مقابل دشمنان خود؛  
اعتراف دشمن به جایگاه آن حضرت.

منابعی که این حدیث را به صراحت از خطیب نقل کرده‌اند عبارتند از:  
۱. دلائل الامامة، طبری (م. قرن ۵):

روی الخطيب في تاريخه: ان هارون الرشيد حج مرة و معه موسى بن جعفر فأتى قبر

النبي **6**...<sup>۲۸</sup>

۲. المنتظم، ابن جوزی (م. ۵۹۷):

و ما هو خبرنا به منصور القزاز قال خبرنا احمد بن علی قال: خبرنا القاضی

ابوالعلاء... حج هارون الرشيد...<sup>۲۹</sup>

۳. وفيات الاعيان، ابن خلکان (م. ۶۰۸):

و قال الخطيب: أبانا ابوالعلاء الواسطي حدثنا عمر بن شاهين... قال حج هارون -  
الرشيد...<sup>۳۰</sup>

۴. تهذيب الكمال، المزی (م. ۷۴۲):

قال اخبرني ابوالعلاء محمد بن علي الواسطي...<sup>۳۱</sup>

منابعی که این حدیث را بدون ذکر منبع آن نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. اعلام الوری، فضل بن حسن طوسی (م. ۵۴۸):

قالوا: و لما دخل هارون المدينة وزار النبي **6**...<sup>۳۲</sup>

نتیجه بررسی: از میان این منابع، پنج تا از اهل سنت و دو تا از شیعه هستند که دو منبع اخیر، سند حدیث را حذف نموده، اما سه منبع دیگر سند حدیث را با مختصر تغییری نقل کرده‌اند.

حدیث هفتم: اخبرنا الحسن بن محمد العلوی حدثني جدی حدثني عمار بن أبان قال :  
حبس ابوالحسن موسى بن جعفر عندالسندی فسألته أخته أن تتولى حبسه و كانت تتدين  
ف فعل فكانت تلى خدمته فحكى لنا أنها قالت كان اذا صلى العتمه حمدالله و مجده و دعاه  
فلم يزل كذلك حتى يزول الليل فذا ازال الليل قام يصلى الصبح ثم يذكر قليلا حتى تطلع  
الشمس ثم يقعد الى ارتفاع الضحى ثم يتهيا ويستاك و يأكل ثم يرقد الى قبل الزوال ثم  
يتوضأ و يصلى حتى يصلى العصر ثم يذكر فى القبلة حتى يصلى المغرب ثم يصلى ما بين  
المغرب و العتمه فكان هذا دأبه فكانت أخت السندی اذا نظرت اليه قالت خاب قوم تعرضوا  
لهذا الرجل و كان عبدا صالحا.

نتیجه بررسی: نویسندگان این منابع چهار نفر سنی و یک نفر شیعه هستند.

موضوعات اصلی مطرح شده در حدیث عبارتند از:

۱. عبادت موسى بن جعفر **7** و مغتنم شمردن فرصت برای راز و نیاز با خدای خود در زندان؛

۲. متأثر شدن خواهر سندی از حالات معنوی ایشان؛

اعتراف زندان بان امام کاظم **۷** به حقانیت ایشان و خسران و زیان دشمنان او. منابعی که این حدیث را به صراحت از خطیب نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. وفيات الاعيان، ابن خلکان (م. ۶۰۸):

اخبرنا الحسن بن ... حدثنی عمار بن أبان قال: حبس موسى بن جعفر **۷** ... فحكى لنا انها قالت.<sup>۳۳</sup>

۲. تهذيب الكمال، المزی (م. ۷۴۲):

قال اخبرنا الحسن بن ابی بكر قال اخبرنا الحسن بن محمد العلوی...<sup>۳۴</sup>

نتیجه بررسی: این حدیث جز در این دو منبع اهل سنت، در منابع دیگری مشاهده نشد. حدیث هشتم: اخبرنا الجوهری حدثنا محمد بن عمران المرزبانی حدثنا عبدالواحد بن محمد الخصبی حدثنی محمد بن اسماعیل قال: بعث موسى بن جعفر الی الرشید من الحبس رسالة كانت: انه لن ينقضني عنى يوم من البلاء الا انقضى عنك معه يوم من الرخاء حتى نقضى جميعا الی يوم ليس له القضاء يخسر فيه المبتلون.

موضوعات اصلی مطرح شده در حدیث عبارتند از:

۱. استفاده امام **۷** از فرصت مناسب برای تنبه و آگاهی دشمنان؛
  ۲. اشاره به ناپایداری لذت‌های دنیا و حساب‌رسی در دادگاه عدل الهی در روز رستاخیز.
- منابعی که این حدیث را به صراحت از خطیب نقل کرده‌اند عبارتند از:
۱. تذکره الخواص، سبط بن جوزی (م. قرن ۵):

ذكر الخطيب في تاريخه قال: بعث موسى من الحبس رسالة...<sup>۳۵</sup>

۲. وفيات الاعيان، ابن خلکان (م. ۶۰۸):

قال الجوهری، حدثنا محمد بن عمران المرزبانی، حدثنا عبدالواحد بن الخصبی حدثنی محمد بن اسماعیل قال بعث موسى بن جعفر...<sup>۳۶</sup>

۳. تهذيب الكمال، المزی (م. ۷۴۲):

قال اخبرنا الجوهری قال حدثنا محمد بن عمران المرزبانی...<sup>۳۷</sup>

منابعی که این حدیث را از منابع دیگر نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. الفصول المهمه فی معرفة الأئمة، علی بن احمد المالکی (ابن صباح):

من کتاب صفة الصفوه، ابن جوزی قال: بعث موسی بن جعفر...<sup>۳۸</sup>

نتیجه بررسی: نویسندگان این منابع سه نفر سنی هستند و یک نفر آنان شیعه است.

در بین این منابع، سند حدیث در تذکره الخواص و الفصول المهمه حذف شده است.

حدیث **نهم**: اخبرنا الحسن بن ابی بکر اخبرنا الحسن بن محمد بن العلوی قال حدثنی

جدی قال قال ابو موسی العباس حدثنی ابراهیم بن عبدالسلام بن السندي بن شاهک عن

أبيه قال قال موسی بن جعفر عندنا محبوسا فلما مات بعثنا الى جماعة من العدول من الكرخ

فدخلناهم عليه فاشهدهم علی موته و احبسه قال و دفن بمقابر الشونیزی.

موضوعات اصلی مطرح شده در این حدیث عبارتند از:

۱. شهادت گرفتن بر این که امام به مرگ طبیعی درگذشته؛

۲. مخفی کردن جنایات خود و جلوگیری از قیام و اعتراض طرفداران موسی بن

## 7. جعفر

منابعی که این حدیث را به صراحت از خطیب نقل کرده‌اند عبارتند از:

۱. وفيات الاعیان، ابن خلکان (م. ۶۰۸):

...وعن عبدالسلام بن السندي قال: كان موسی عندنا محبوسا...<sup>۳۹</sup>

۲. تهذیب‌الکمال، المزی (م. ۷۴۲):

قال اخبرنا الحسن بن ابی بکر قال اخبرنا الحسن بن محمد العلوی ...<sup>۴۰</sup>

۳. احقاق الحق و ازهاق الباطل، قاضی نورالله شوشتری (م. ۱۰۱۹):

اخبرنا الحسن بن ابی بکر قال اخبرنا الحسن بن محمد العلوی قال حدثنی جدی قال

ابوموسی العباسی...

نتیجه بررسی: نویسندگان این منابع، دو نفر از اهل سنت هستند و یک نفر از آنها

شیعه است.

### نتیجه گیری

تاریخ بغداد که یکی از منابع ارزشمند اهل سنت است، در مقایسه با منابع دیگر انعکاس بیش‌تری در منابع پسین خود داشته لذا چگونگی اقتباس این منابع در مورد احادیث مربوط به زندگانی امام کاظم **۷** در کتاب تاریخ بغداد، بررسی و این نتیجه به دست آمد: اولاً بر اساس آمارگیری که درباره این منابع صورت گرفت، اکثر این منابع از اهل سنت است. ثانیاً نویسندگانی که این احادیث را از تاریخ بغداد گرفته‌اند به صورت یک‌سان نقل نکرده‌اند بلکه به انگیزه‌های مختلف در صدد تغییر سند روایت یا حذف بخشی از متن آن بر آمده‌اند، برای نمونه، ذهبی نویسنده سیر اعلام النبلاء، به علت بی‌توجهی به بعد عبادی امام کاظم **۷** این موضوع را از حدیث اول حذف کرده، یا مانند ابن خلکان در وفیات الاعیان، همه احادیث را به صورت گزارشی از خطیب بدون ذکر سند آن‌ها آورده و از این نه روایت تنها سه روایت را از خطیب نقل کرده است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. محمدبن جریر طبری، *دلائل الامامة*، قم: انتشارات بعثت، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۱۰.
۲. ابوالفرح بن جوزی، *صفة الصفوة*، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۸۴.
۳. ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، لبنان: انتشارات دارالثقافة، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۲.
۴. المزی، *تهذیب الکمال*، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۰ ق، ج ۲۹، ص ۵۰.
۵. محمد بن احمد ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، بی‌جا: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق، ج ۶، ص ۲۷۴.
۶. همو، *تاریخ اسلام*، بی‌جا: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۴۱۸.
۷. محمد بن طولون، *الائمة اثنی عشر*، قم: انتشارات رضی، بی‌تا، ص ۸۹.
۸. علی بن عیسی اربلی، *کشف الغمة*، قم: انتشارات رضی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۲۵۰.
۹. طبری، *پیشین*، ص ۳۱۰.
۱۰. همان.
۱۱. ذهبی، *سیرالاعلام النبلاء*، پیشین، ج ۶، ص ۲۱۷.
۱۲. قاضی نورالله شوشتری، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم: مکتبه آیت الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۸، ص ۵۴.
۱۳. فتال نیشابوری، *روضه الواعظین*، قم: دلیل ما، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۴۷۸.
۱۴. یوسف بن حاتم شامی، *الدار النظیم*، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ ق، ص ۶۵۲.
۱۵. سید هاشم بحرانی، *حیلة الابراز*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، بی‌تا، ص ۲۵۱.
۱۶. مجلسی، *بحار الانوار*، بی‌جا، بی‌تا، ج ۴۸، ص ۱۰۲.
۱۷. المزی، *پیشین*، ج ۲۹، ص ۵۱.
۱۸. ذهبی، *سیرالاعلام النبلاء*، پیشین، ج ۶، ص ۲۱۷.
۱۹. فضل بن حسن طوسی، *اعلام الوری*، بی‌جا: آل‌البتیت، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۵.



۲۰. المزی، پیشین، ج ۲۹، ص ۵۱.
۲۱. همان.
۲۲. ابن جوزی، المنتظم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق، ج ۹، ص ۸۷.
۲۳. سبط بن جوزی، تذکرة الخواصی، قم: انتشارات شریف رضوی، ۱۴۱۸ ق، ص ۳۱۳.
۲۴. همان.
۲۵. همان، ص ۵۲.
۲۶. ابن طولون، پیشین، ص ۸۹.
۲۷. الحر العاملی، اثبات الهداة، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ ق، ج ۴، ص ۲۸۰.
۲۸. طبری، پیشین، ص ۲۵.
۲۹. ابن جوزی، المنتظم، پیشین، ج ۹، ص ۸۸ از آن جا که عنایت ویژه به خطیب داشته و چندین سال شاگرد او بوده و آثار او را بر منابع دیگر ترجیح می داده است به یقین می توان گفت که از تاریخ بغداد اقتباس کرده است.
۳۰. همان.
۳۱. المزی، پیشین، ص ۵۴.
۳۲. فضل بن حسن طوسی، پیشین، ج ۲، ص ۵.
۳۳. همان.
۳۴. همان.
۳۵. سبط بن جوزی، پیشین، ص ۳۱۴.
۳۶. همان، ص ۹۰؛ سید هاشم بحرانی، پیشین، ص ۱۸۷.
۳۷. همان.
۳۸. علی بن احمد المالکی (ابن صباح)، الفصول المهمة فی معرفة الائمة، بی جا: بی نا، بی تا، ج ۲، ص ۹۵۸.
۳۹. ابن خلکان، پیشین، ص ۹۰.
۴۰. المزی، پیشین.